

جمعه‌های بی‌قرار

زهرای یعقوبی

«پرواز حق پروانه‌هاست که با بال زاده می‌شوند.»
نگاه‌ها گذرگاه سکوتند و چشم‌ها در اشک شناور.
آینه‌ها هر روز روشن‌تر تو را می‌خوانند و دست‌ها برای
آمدنت انتظار می‌کشند تا بالا بروند و به شوق دیدارت
دستی تکان دهند.

پائیز، خزان شده و خود را بر سر و روی شهر کشیده و رفته.
حالا دیگر، تویی که بهار را برایمان هدیه می‌آوری، ای بهار
همیشه! تا آمدنت چند خزان مانده؟! ما خزان‌زدگان را چه می‌شود
ای موعود؟! ای موعود؟! ای موعود؟!

پروانه‌وار در پیله‌های تاریک خود سکنی گزیده‌ایم و طلوعی بی‌تو
به چشم ندیده‌ایم تا تو اولین طلوع زندگی‌مان شوی.
ما را دیگر بس نیست که این‌گونه در خود تنیده شویم و بی‌آفتاب
رویت پروانه شدن را چون خیالی بر تن بیافیم. پرواز حق
پروانه‌هاست که با بال زاده می‌شوند. اشاره‌ای کن تا از پیله‌های
تاریک‌مان بگریزیم. سیاهی همه جا رخنه کرده و جهان دست
بر عصای ناتوانی گذاشته و در کوچه‌های بی‌کسی به دنبال نور
می‌گردد.

دیگر فانوس نمی‌خواهم. فانوس برای کوری راه کم است. عقربه‌ها
می‌دانند که دیگر روزها بر گشتی نخواهند داشت. زمین به حدیث
تنهایی خود خو گرفته و من که بی‌فاصله با خود نشست‌ام و
جمعه‌ها را یکی یکی می‌شمارم.

دست باد بالاتر از دستان من می‌وزد و نامه‌های خط
خورده‌مان را به پرواز در می‌آورد. واژگان، پریشانی‌ام را
برایت می‌نویسند و خبر دلواپسی‌ام را هر جمعه به تو
می‌رسانند. زمین بی‌روزن‌تر از همیشه ما را در خود
می‌فشارد و ما هر نفس تو را فریاد می‌زنیم. مقیاس
غربت‌مان را اندازه‌ای نیست ای موعود!
دیروزها را در انتظار تو به امروز رسانده‌ایم.
پنجره‌ای نیست که به سمت آمدنت
باز نباشد.

آن ستاره ظاهر می‌شود!

به کوشش معصومه‌سادات میرغنی

مفضل بن عمر جعفری از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت
فرمودند: «نزدیک‌ترین جایی که خدای تعالی به بندگانش هست
و همچنین بیش‌ترین زمانی که از ایشان راضی است، زمانی است
که حجت الهی را از دست بدهند و او برایشان ظاهر نشود و
جایش را ندانند و در عین حال یقین داشته باشند که آن حجت
باقی است و باطل نشده.

پس در آن هنگام هر صبح و شام منتظر فرج باشید. و بیش‌ترین
زمانی که خدا نسبت به دشمنانش خشمگین می‌شود وقتی است
که حجت الهی در بین مردم نباشد و برایشان ظاهر نشود.
خدای تعالی می‌دانست که دوستانش (با غیبت) به شک و شبهه
نمی‌افتند (و از دین بیرون نمی‌روند) و اگر می‌دانست آنها از دین
خارج می‌شوند هیچ‌گاه حجت خود را از جلو چشم آنها غایب
نمی‌کرد (اصلاً غیبت نمی‌شد) و از غیبت حضرت بقیه‌الله جز به
مردم بدکردار (که به خاطر شک و دو دلی نسبت به حضرت از
دین بیرون می‌روند) ضرری نمی‌رسد.

«به‌درستی که برای صاحب این امر غیبتی هست، پس باید هر
بنده‌ای تقوی و پرهیزکاری را پیشه کند و به دستورات دینش
پایبند باشد.»

«ابان بن تغلب» می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند «زمانی
برسد که مردم هیچ کاری نتوانند بکنند. در آن زمان علم بین
دو مسجد (مکه و مدینه) جمع می‌شود همان‌طوری که مار در
لانه خود جمع می‌شود در این هنگام خدای تعالی ستاره مردم
(امام‌شان) را برایشان ظاهر می‌کند.

بر دین و روش اهل بیت (علیهم السلام) استوار باشید (عمل به دستورات دینی
کنید) تا خدای تعالی ستاره (امام) شما را برایتان ظاهر سازد.»

منبع: انتظارات امام زمان (عج) از جوانان (و وظایف منتظران)،
محمد یوسفی، ناشر خورشید هدایت، قم، چاپ سوم ۱۳۸۸.